

دلهره و نگرانی ملت

در قبال حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور

در صفحه ۳

علم و تکنولوژی

شرق و غرب نمی شناسد

در صفحه ۲

اطلاعات

و کیهان

چرا ویژه نامه

خلع ید

و مصدق

انتشار ندادند؟

پیام ملی

ارگان جبهه ملی ایران

۴ صفحه ۱۰ ریال

شماره ۳۱ - یکشنبه ۱ تیر ۱۳۵۹

حسن آیت چهره ضد نهضت ملی ایران در نقاب اسلامی

خمینی و همسرهای وی و پیغمبران انقلاب در جهت رحمت ملت و همگامی قشرهای مختلف تاکید و راهنمایی داشتند بر روی دکتر مصدق و نهضت ملی و جبهه ملی شمشیر کشید و با بیانات خلاف واقع در صدد لکه دار کردن پیشوای بزرگ ملت و سایر مبارزان نهضت ملی برآمد.

نامبرده با سوء استفاده از موقعیتی که بنیاد مستضعفان در روزنامه اطلاعات بدست آورد در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۱۵ در جمع کارکنان روزنامه حضور یافت و طی سخنرانی مبسوطی علیه نهضت ملی ایران به سم پاشی پرداخت.

با آنکه از روزنامه اطلاعات خواسته شد یکی از مسئولان جبهه ملی در جمع کارکنان روزنامه اطلاعات در جواب آقای آیت حقایق را با اطلاع برساند و سخنرانی وی همانند آقای آیت در روزنامه اطلاعات منتشر شود متأسفانه روزنامه اطلاعات از قبول درخواست جبهه ملی خودداری کرد و فقط پس از چندی نامه یکی از کارکنان عضو جبهه ملی راجع به سخنان مذکور را در شماره ۱۳۵۸ در ۱۴ درج نمود. ما از جهت آنکه نشان دهیم دشمنی آیت با مبارزان راه آزادی و استقلال وطن امر تازه ای نیست مقاله آقای محمد علی بهنیا کارگر مبارز و سالخورده جبهه ملی را درباره سخنرانی آیت در جمع کارکنان روزنامه اطلاعات منتشر میکنیم تا خوانندگان محترم به قسمتی از رویدادهای گذشته آشنا شوند و با آگاهی بیشتری به توطئه های این عنصر ضد ملی توجه نمایند.

آقای دکتر آیت انصاف داشته باشید

در تاریخ ۵۸/۸/۱۵ در روزنامه اطلاعات متن سخنرانی شخصی بنام آقای دکتر حسن آیت که گویا در مجمع کارکنان این روزنامه ایراد شده بود چاپ گردیده است.

متن این سخنرانی سرتا پا تحریف حقایق، غرضورزی، ناسزا و دشنام به جبهه ملی و بنیانگذار فقید آن دکتر محمد مصدق میباشد معلوم نیست آقای دکتر آیت به چه دلیل و براساس چه مأموریتی و در زمانی که جامعه بیش از هر وقت نیاز به وحدت کلیه نیروها را دارد این چنین غرضاً لودیه این سازمان اصل و منزه ملی میازند؟ و چطور میشود که بعد از یک هفته سخنرانی ایشان با آب و تاب در روزنامه چاپ میشود و چرا باید فردی که بعنوان یک مسلمان خیره در مسائل اسلامی بصندلی مجلس خبرگان تکیه زده است برخلاف اصول اولیه اسلامی این چنین دروغیناری بقیه در صفحه ۴

دشمنی با نهضت ملی ایران به صوف انقلاب وارد شده است در موقبعکامام

مراکز حساس حکومتی و انقلابی را اشغال نمودند. حسن آیت که با ماهیت

استفاده از عدم آگاهی مردم به لباس انقلاب درآیند و برخی از آنان نیز با قیافه اسلامی عناصر بسیاری توانستند با سو

بعد از انقلاب پیروزمند ملی و اسلامی بهمن ۱۳۵۷ عناصر بسیاری توانستند با سو



صحنه ای از مراسم ۲۹ خرداد در ردیف جلو از سمت راست به چپ آقایان دکتر آذر، دکتر مدنی، دکتر سنجابی، الهیار صالح و فتح الله بنی صدر دیده میشوند.

سالروز خلع ید باشکوهی فراوان

در جبهه ملی بر گزار شد

مراکز جبهه ملی ایران در این شهرها نیز در روز ۲۹ خرداد مراسمی در بزرگداشت روز خلع ید برگزار شده است و در مراسم رشت آقای مهندس کاظم حسینی رئیس شورای مرکزی جبهه ملی شرکت نموده و سخنرانی داشته اند.

آینده چاپ خواهد شد. مراسم با نواخته شدن سرود ای ایران و همراهی دسته جمعی شرکت کنندگان پایان پذیرفت. در ضمن بطوریکه از شهرهای مشهد، اصفهان و رشت اطلاع رسیده است در

و سپردر میان ابراز احساسات و کف زدنهای شدید حضار آقای دکتر سید احمد مدنی نماینده منتخب مردم کرمان در مجلس شورای ملی در پشت تریبون قرار گرفتند و سخنرانی مسوسوی ایراد داشتند که متن کامل سخنرانی ایشان در شماره

عصر روز پنجشنبه ۲۹ خرداد بنیاد سیت سالروز خلع ید از شرکت استعماری نفت انگلیس بدست دکتر مصدق، رهبر بزرگ نهضت ملی ایران گردمانی باشکوهی با شرکت هزاران نفر از اعضا و هواداران جبهه ملی ایران در محل تشکلات مرکزی جبهه ملی برپا گردید.

انتخابات کانون و کلا

باید دستور تلفنی تعطیل شد!

لوت وجود وابستگان رژیم سابق و ساواکیها و کسانی که بدنامیهای اخلاقی و مالی دارند پاک شود ولی میخواهند که این مهم بدست خود آنها و بوسیله هیئت منتخب از طرف خود آنها عملی گردد. ما میدانیم که کلاه دادگستری ایران هرگونه مداخله حکومت را در مدیریت کانون خود با شدت رد میکنند و تعطیل انتخابات را بعنوان ضربهای به استقلال کانون خود تلقی کرده و با آن مخالف هستند و بنا بر این اعلام میکنیم که:

انتخابات بر شور و استثنائی چون امر تجهیز و بمیدان کشاندن مردم عمل نمودند این بار نیز اولین انتخابات پس از انقلاب خود را به جلوه ای از تحکیم اصول دموکراتیک کانون اساسی جمهوری جوان ما بدل کنند. اما متأسفانه اطلاع یافتیم که این انتخابات با یک دستور تلفنی تعطیل و برای مدتی نامعلوم به ورطه تعویق افتاده و دروغ رای برود. ما به این انتخابات با علاقمندی چشم دوخته بودیم و امیدوار بودیم و کلا دادگستری که پیش از انقلاب و در بهار سال ۱۳۵۷ با برگزاری یک

جمعیت حقوقدانان ایران طی بیانیهای در باره تعطیل انتخابات کانون و کلا، نظراتی ابراز داشته و اعلام کرده است که تعطیل انتخابات ضربه ای به استقلال کانون و کلا میباشد. متن بیانیه ما میدانستیم که و کلا دادگستری مرکز صبح روز دوشنبه ۲۴ خرداد باید برای انتخابات هیئت مدیره جدید کانون خود بپای صندوق رای بروند. ما به این انتخابات با علاقمندی چشم دوخته بودیم و امیدوار بودیم و کلا دادگستری که پیش از انقلاب و در بهار سال ۱۳۵۷ با برگزاری یک

شعار انحصار طلبان: همه چیز برای ما و در خدمت ما حتی ملت و انقلاب

پس از چند روز زوزه و اشاره های مستقیم و غیر مستقیم سرانجام با انتشار متن نوار گفتگوهای آقای دکتر آیت عضو بلند پایه و مؤثر رهبری حزب جمهوری اسلامی در روزنامه "انقلاب اسلامی" هیجان چشم گیری در کشور بوجود آمد که بسیاری از مسائل را تحت الشعاع قرار داد. با انتشار متن نوار، صحنه درگیری های ریشه دار و چند ماهه میان گروه فرصت طلبان و انحصار طلبان و ریاست جمهوری به حساس ترین مراحل خود وارد گردید و به بیان دیگر وجود تضاد چند ماهه میان این دو گروه بصورت عریان در سطح کشور برملا گردید. در این جریان بدنبال ضربه های پی در پی از سوی انحصار طلبان با برنامه وسیع و دقیق از جندی پیش بر اعتبار و قدرت قانونی ریاست جمهوری وارد آمده است، دوستان و اطرافیان ایشان فرصت آنرا بدست آورده تا ضربه مؤثر

مقابلی وارد سازند. ضربه ای که آنها را تکان داد و سخت به تکاپو افتادند تا با تمامی نیرو اثر آنرا در جامعه خنثی سازند. آنها با حسابگری فراوان شیوه حمله و دفاع را با هم برگزیده اند، باین نحو که قبل از دفاع از خود، با تمامی نیرو میکوشند که نخست محتوای این نوار را که توطئه ای بی چون و چرا در سطح ملی بشمار میرود، مطالبی ساده و کم اهمیت جلوه دهند و سپس با یک ضد حمله شدید، افشا ساختن آنرا یک اقدام ضد انقلابی بشمار آورند.

در گفته و نوشته های دو سه روز اخیر بلند پایگان و نشریه های وابسته پیوسته به انحصار طلبان و فیضه کنندگان قدرت به روشنی این سیاست عوام فریبانه و مزورانه را شاهد و ناظر هستیم که بجای محکوم ساختن بی چون و چرای این توطئه ضد ملی و بوزش از پیشگاه ملت، با گستاخی هر چه تمامتر تیغ از نیام بر کشیده اند و بر انتشار دهندگان این سند و در اس آنها ریاست جمهوری تاخته اند و آنها را متهم ساخته اند که چرا چنین مسئله ای را به آگاهی ملت رسانیده اند و چرا در اطاقهای در بسته و گفت و گوهای خصوصی و به گونه بده و بستان موضوع را فیصله نداده اند. کسی نیست از این آقایان بیبرسد، در حالیکه شما و عوام ملتان بخود اجازه میدهید تا برای از میدان بدر ساختن هر کسی که با شما سرسوزنی اختلاف رای و نظر دارد و بر اول کار شما انتقاد میکند به هزار توطئه دست بزنید و بی رحمانه و به دور از هرگونه ضوابط انسانی، اخلاقی و اسلامی عمل کنید آیا سزاوار نبود تا چنین سندی با استحضار ملت رسانیده شود؟! ما هم مثل شما به روزنامه انقلاب اسلامی ایراد داریم که چرا این سند را راه "سا" منتشر ساخت.

زیرا معتقدیم که این سند میبایست از سوی دفتر ریاست جمهوری و به عنوان یک توطئه ضد ملی علیه نهاد منتخب ملت انتشار می یافت.

اما شما آقای رئیس جمهوری، فکری نمی کنید با رو ساختن دست این جماعت بر قدرت نشسته چه حاصل خواهید برد. آیا فکر می کنید که آنها از راهی که در آن گام نهاده اند پش خواهند کشید؟ آیا بر این اندیشه ای که در صف جماعت پیرو آنها شکست خواهد افتاد و از آنها رو گردان خواهند شد و یا اینکه اقدام آنها با صراحت تقبیح خواهد شد؟ صادقانه بپذیرید که هیچ یک از اینها انجام نمیشود، خواهید دید که با شبکه عظیمی که بخصوص در زمینه تبلیغاتی در اختیار دارند و از جمله عمده خطبه های نماز روز جمعه، خواهند کوشید تا در راستای مورد نظر، اقدام خود را توجیه سازند.

آقای رئیس جمهوری باید بدانند که در حساس ترین شرایط ممکن قرار گرفته اند. شرایطی که با باید راه سازش کامل و سرسپردگی به گروه بر قدرت نشستن را انتخاب کنند و یا اینکه با شهادت فراوان به مسئولیت خطیری که از جانب ملت بر عهده شان گذارده شده توجه کنند و با تکیه بر انبوه مردم و نیروهای انقلابی و یاری گرفتن از افسراد مسئول و معتقد انقلابی یک برنامه بنیادی و ضربتی را اعلام و از مردم بخواهند که در امر به اجراء گذاردن آن با تمامی توان خود ایشان را یاری دهند، آقای بنی صدر با هم میگوئیم ادامه شیوه مآثات، جز به شکست قطعی راه بجائی دیگر نخواهد برد.

علم و تکنولوژی شرق و غرب نمی شناسد

حسن ایراندوست

امروزه بسیاری از کلمات و اصطلاحات که بزبانها و قلمها جاری می شوند مفاهیم واقعی خود را از دست داده اند. علت عمده این امر آن است که دولت مردان و تشنگان قدرت فائده این کلمات را با معیارهای ذهنی خود چنان تعبیر و تفسیر می نمایند که مفاهیم و معانی آنها در ذهن شنوندگان یگانه دگرگون می شود.

تا آنجا که حتی بسیاری از این مفاهیم که در اصل سازه نیز می باشند عملاً "بصورت عوامل تخریب در می آیند. آن روز که از دگرگونی نظام آموزشی دانشگاهها و اسلامی کردن آن سخن بمیان آمد، دگرگونی نظام آموزشی عملاً به صورت یورش به دانشگاهها، آتش زدن کتابخانهها تخریب اموال این موسسات که از بیت المال ملت ستم کشیده ایران تهیه شده است و سرانجام به صورت ضرب و جرح و کشتار و بخون کشیدن بهترین فرزندان این آب و خاک تجلی نمود. در پشت بلندگوهای رسانه های گروهی احساسات مردم را بر علیه دانشجویان و دانشگهیان تخریب کردند و آنان را راهبر گروههای چماق بدست به حمله و به آتش کشیدن موسسات آموزش عالی و داشتند. پس ماندگان رژیم طاغوت و وابستگان به امپریالیسم نیز از این گریو داری بی نصیب نماندند و در راه رسیدن به هدفهای پلید خود گامی فراتر نهادند و بهره ای از آن می خواستند بر گرفتند. دست آخر نتایج حاصل از این یورش و تخریب که کلاً "به سود امپریالیسم پایان گرفت به عنوان موفقیتی چشم گیری! از برنامه های سازنده انقلاب از طریق رسانه های گروهی بخورد ملت داده شد، امروز می بینیم که دگرگونی نظام

دانشگاهها نبوده باشد، وگرنه می بایست استقرار دیکتاتوری جدیدی را که بر مبنای وحشتناکتر از دیکتاتوری رژیم مغزویپهلوی است، اما در پوششی دیگر برای این ملت ستم کشیده انتظار داشت.

فرضیه دوم آنست که واقعا "می خواهند نظام آموزشی و دانشگاهها را متناسب با نیازهای جامعه انقلابی ایران دگرگون سازند، اما به سبب برخی ندانم کاریهای عمده ناشی از تعدد مراکز قدرت و اندیشه های یک بعدی و تعصب آمیز، برای رسیدن به یک هدف مطلوب از راه ناصواب وارد می شوند.

ما در این تجزیه و تحلیل مسئله را خوشبینانه مورد تفسیر قرار داده، فرضیه دوم را می پذیریم، بنابراین کلمات و اصطلاحاتی را که در جهت سازندگی جامعه بکار گرفته می شود به معنای واقعی سازنده این مفاهیم در نظر می گیریم و این طور استنباط می کنیم که هدف اصلی از دگرگونی نظام آموزشی دانشگاهها قطع وابستگی فرهنگی، بازگشت به هویت خویشروهای از فرهنگ استعماری بمنظور پیشرفت و اعتلای ایران است.

پدیده ای است قبول چنین هدفی کمال مطلوب و گام برداشتن در جهت آن بی هیچ شبهه ای سعادت جامعه را تضمین می کند و خواهد کرد، اما این پرسش به میان می آید که آیا بستن دانشگاهها آنهم برای مدتی نامعلوم و احتمالاً نامحدود نیل به این هدف عالی را تحقق خواهد بخشید یا خیر؟ متأسفانه پاسخ این پرسش منفی است، لذا به برنامه ریزان و تصمیم گیرندگان مملکت هشدار می دهیم که بستن دانشگاهها اگرچه بظاهر ممکن است به

صورت اقدامی برای قطع وابستگی فرهنگی جلوه کند، اما به دلایل زیر این اقدام ناسنجیده ویا غیر مستقیم در آینده ای نه چندان دور تسلط و نفوذ مجدد امپریالیسم را در این مرزوبوم گسترش خواهد داد.

۱- مطالعات اجتماعی نشان می دهد که یکی از علل عمده نفوذ امپریالیسم در کشور های عقب نگه داشته شده، کمبود مغزهای پرورش یافته و متخصصان و تکنسین های کار-آموزده و بطور کلی نیروی انسانی ماهر در تمام سطح اقتصادی است. کشور ما ایران زمانی می تواند به معنای واقعی ونه بصورت شعارگونه از قید و بند امپریالیسم جهانخوار به سر-کردگی آمریکا رهائی یابد و به خود کفائی واقعی برسد که به کمک مغزهای تربیت شده و دستهای مهارت یافته افراد همین آب و خاک از منابع سرشار خدا دادی خود در جهت رفاه عمومی و بهبود زندگی افراد جامعه به نحو مطلوب استفاده کند، این امر ممکن نیست مگر آنکه دانشگاه های کشور با برنامه ریزیهای دقیق و حساب شده سریعاً به تربیت نیروی انسانی ماهر مورد نیاز جامعه اقدام کنند.

در غیر اینصورت در راه بیشتر وجود ندارد. با اینکه از این منابع استفاده نشود و به بیان دیگر مردم ایران در روی میلیونها خروار ثروت خدادادی از گرسنگی جان می دهند و یا اینکه به منظور بهره برداری از منابع طبیعی ناگزیر برای جلب نیروی انسانی متخصص دست نیاز به سوی کشورهای بیگانه دراز شود، که بدین ترتیب نفوذ و استقرار مجدد امپریالیسم اجتناب ناپذیر خواهد بود.

۲- مسأله دیگری که می قاتل که بود و گناه مقولین چه بود. سلب مسئولیت کرده و چون قانون نیز چشمهای خود را بر روی هم گذاشته است لذا عفو عمومی و اوامر صریح رهبر بزرگ انقلاب میزنند و میگردد و می کشند و غارت می کنند و فضائی هراس آور و ناامن و ناراضی تراش بوجود می آورند

به مناسبت سالگرد شهادت دکتر علی شریعتی

شریعتی ونقش افکار او در جامعه

دکتر جهانناشاه برومند

تراوشهای فکری خویش را بقلم آورد بسیاری از تشویق کننده کاری جز نوحه خوانی نداشتند چماق تکفیر برداشتند و پیرش کوبیدند و او را (التقاطی) و (خارج زدن) و غیره نامیدند. لیکن شریعتی نه اسید است و با هرچه رنگ استبداد و استعمار و استعمار و استعمار داشت مردانه به پیکار برخاست، دکتر شریعتی سالها اسلام راستین را در مکتب پدر آموختند و پیکار اسلام شناسان آموخته بود.

سالها در مکتب صدقها و طالبانیها جنگیده و انواع محرومیت را بجان خریده بود. سالها در دیار غربت علاوه بر اشتغال به مطالعه و تحقیق در اساتید تشکیلات سیاسی جبهه ملی در اروپا فعالیت کرده و به مکتب مختلف غرب و شرق عالم آگاه گشته بود.

و این چنین بود که با کولهباری از تجربیاتی پیشینی جامع و با گذراندن فراز و نشیب های بسیار، زمینه های یک دگرگونی فرهنگی و اخلاقی را پی ریزی کرد.

براستی که اندیشه های دکتر علی شریعتی مظهر انقلاب فرهنگی است. آری او در بحبوحه خفقان و سرکوب و زمانیکه تقریباً همه درها بسته بود و شاید تنها در دانشگاهها بود که جسته و گریخته باز بود انقلاب فرهنگی کرد. او بدون آنکه درهای دانشگاه را ببندد انقلاب فرهنگی کرد زیرا صدایش از این درها بود که بیشتر بگوش میرسد و نوشته هایش در درون این درها بود که منتشر میشد. همشینی او را بسینه میزنند راه او را بهتر بشناسند. یاد دکتر علی شریعتی را گرامی بداریم.

دراوج اختناق رژیم محمد رضا شاهی و در چنین روزها بود که معلمی ارزشمند و آگاه مبارزی خستگ ناپذیر، اسلام شناسی روشنفکر و نویسنده ای متعهد چنانکه کشمکش است و بدست جنایت پیشگان رسوای رژیم و بگونه ای اسرار آمیز شربت شهادت نوشید. مردیکه سالها اندیشیده و مبارزه کرده و ثمر اندیشه ها و مبارزاتی که با خدا شناسی، تعهد بخلق و پیشش وسیع جامعه شناسی تنیده و درهم آمیخته بود، تحول و دگرگونی شگرفی بود که او در فکر و برداشتهای ذهنی تشنگان راه حقیقت یعنی نسلی سرگشته، کنجگاو و جستجوگر بوجود آورد. شریعتی انسانی است معنوی و آزاده که با سامانیها را می بیند و لوس می کند. دردها را میکشد و واقعیتها را درک می کند و سرانجام راه رستگاری و درست اندیشی و پایداری می بیند که برخلاف آنچه بسیاری از پیشینیان به مردم نمایندند و واپسگرا نیست، خرافاتی و متحجر نیست، مظاهر و ریبا آلود نیست، خودگامه نیست، ضعیف و عقب مانده نیست، بلکه با شکوه و مترقی است. او اسلام خلقی و راستین حسین و علی و ابودر را دوباره در افکار دلزدگان از دودباز جانی تازه می بخشد و عرفان پراخلاص و شوک همد مولوی را بگونه ای استادانه با فزون طلبی معقول و ترقی خواهی توأم با استقلال فکری و فرهنگی اسلام پیشرو در می آمیزد. هنگامیکه او نخستین

سخنرانی هفتگی جبهه ملی

امروز یکشنبه اول تیرماه ساعت ۶ بعد از ظهر جلسه سخنرانی هفتگی جبهه ملی در محل تشکیلات مرکزی واقع در خیابان سیمتری کارگر مقابل ستاد ژاندارمری تشکیل میشود در جلسه امروز آقای دکتر یوسف جلالی عضو کار رهبری جبهه ملی در باره مسائل جاری مملکت سخنرانی میکنند و سپس به سوالات حاضران پاسخ داده خواهد شد.

سابقه دیگری در لوموند ضد امریکائی و تندرو بوده است. او فرزند یک کارگر راه آهن و فارغ التحصیل دانشگاه "نتردام" در ایالات متحده است و کار خود را با لوموند در قسمت اخبار خارجی از ۱۹۵۱ آغاز کرده است. استعداد و توانائی روزنامه نگاری او در لوموند دیپلماتیک بطرف کمال رفت. یکی از رقبای او میگوید: "دراثر توجه به مجاهدات انقلابی امریکائی لاتین در راه رهایی از نفوذ ایالات متحده، ژولین لوموند دیپلماتیک را به صورت یک ارگان عوامفریبانه جهان سومی در آورد." در واقع اعضای میانه رو لوموند نسبت به امکان پیروزی ژولین خیلی نگران بودند از

که یک تنه مدت، بیست و پنج سال روزنامه را اداره میکرد. در ۱۹۶۹ فائوه جای او را گرفت. در زمان فائوه لوموند بطور محسوسی بطرف چپ رفت، در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۷۴ از فرانسوا میتران رهبر سوسیالیست حمایت کرد و نسبت به گتشار بزرگ ماهه خبرهای سرخ در کامیون پرازمردی نمود. اما در قبال افزایش انتقادات خوانندگان روزنامه و مقاسم دولتی در چند سال گذشته فائوه روزنامه را از نظرسیاسی بطرف خط میانه برد. این میانه روی امکان دارد با روی کار آمدن ژولین پایان پذیرد. ژولین که از ۱۹۷۲ تا بحال سردبیر ماهنامه لوموند دیپلماتیک میباشد بیشتر چپ رو بوده و تقریباً زیاد تر از هر روزنامه نگار با

کشور بی قانون

و همه دست اندرکاران از خود سلب مسئولیت کرده و چون قانون نیز چشمهای خود را بر روی هم گذاشته است لذا عفو عمومی و اوامر صریح رهبر بزرگ انقلاب میزنند و میگردد و می کشند و غارت می کنند و فضائی هراس آور و ناامن و ناراضی تراش بوجود می آورند

رکس آبادان تبدیل به خاکستر شده اند بر خاسته است. چهار تن از سران مهاجمین گنبد را بدون محاکمه و صدور حکم گرفتند و کشتند و گفتند قاتل هر که باشد معرفی و مجازات خواهد شد ولی هفته ها گذشت و کسی ندانست که

و صدور حکم گرفتند و کشتند و گفتند قاتل هر که باشد معرفی و مجازات خواهد شد ولی هفته ها گذشت و کسی ندانست که

این نظر آنها از مفسرین مهم خارجی خواستند که مخالفان "ژولین" را رهبری کنند و یا اینکه خود را کاندیدا نمایند. اما بعد از سه ماه زحمان خسته کننده و فرساینده رای گیری ناموفق سرانجام ژولین در هفتمین دور رای گیری پیروز شد. در مهارت سردبیر جدید هیچگونه تردیدی وجود ندارد. در لوموند دیپلماتیک هزینه را کاهش داد و تیراژ را بالا برد. او در خلال مبارزه انتخاباتی قول داد که این کار معجزه آساراً بطور مشابه در لوموند نیز انجام داده و دخالت دادن نظریات سیاسی خود را در این کار خودداری نماید. یکی از اعضای دست چپی لوموند درباره ژولین میگوید: "او کراوات میزند اما مانند یک فرمانده مقتدر عمل میکند."

دوستان فرا سوی و بطور کلی هیأت تحریریه روزنامه لوموند (با تیراژ ۵۰۰۰۰۰) بانفوذ ترین روزنامه فرانسه هفته گذشته سردبیر آینده خود ((کلود ژولین)) ۵۵ - ساله را انتخاب کردند، بعد از طی یک دوره دوساله یادگیری کار تجربی (سردبیری) زیر نظر سردبیر فعلی (ژاک فائوه) ۶۶ ساله، ژولین امور روزنامه را

در واقع بوموند مالک خصوصی ندارد و صاحبان آن هفت صد نفرند، بدین معنی که از ۱۹۵۱ بعد این روزنامه بکارکنان آن تعلق یافته است، گرچه آنها تعیین کننده خط مشی روزنامه نیستند. بومری، که گاهی اوقات کارکنان روزنامه از او بعنوان (خدا) یاد میکردند کسی بود

۱۸۹۲ بعد میگرد و بعنوان سردبیر ناشر خدمت خواهد کرد. لوموند در سال ۱۹۴۴ بوسیله ((۵۰۰۰۰)) تا سیس شد و خود این شخص نیز از طرف شارل دوگل بعنوان اولین سردبیر تعیین شد. خواندن این روزنامه برای

اعضاء هیأت تحریریه روزنامه لوموند سردبیر جدیدی را انتخاب کردند. این یک مبارزه انتخاباتی معین برای مدت چند سال بود. در وهله اول تعداد زیادی کاندیدادر یک زمینه دشوار طی ماهها با شرکت در جلسات منعقد وقت خود را صرف عرق ریختن، سروکله زدن و سؤال وجوابهای طولانی با کسانی نمودند که

می بایستی در این انتخابات رای دهند. تدریجاً "زمینه انتخابات منحصر به دو نفر شد که روی مسائل توافق نظر نداشتند و سرانجام برنده شخص شد. جایزه او یک بیست سیاسی نبود هر چند که در فرانسه بعضی ها آنرا بعنوان دومین مقام مهم بعد از ریاست جمهوری بحساب می آورند.

در
عالم
مطبوعات

بدون وجود يك ارتش آگاه و نیرومند ملی و مکتبی ملت، امکان دفاع از استقلال و آزادی و تمامیت ارضی کشور میسر نخواهد بود

چندی پیش از سوی دانشگاه پدافند ملی، سمیناری برای بررسی مسائل امنیتی و دفاع ملی تشکیل یافت که در جلسه‌های عمومی آن تعدادی از صاحب نظران و شخصیت‌های مملکتی سخنرانی داشتند. آنچه در این نوشته آمده است بخشی نخست سخنرانی آقای دکتر پرویز ورجاوند درسمینار مذکور است.

بنام خداوند جان و خرد کز او برتر اندیشه برنگردد

خانمها، آقایان، از آنجا که بعنوان یک ایرانی فردی از مردم این سرزمین، بازائی، استقلال و سربلندی میهنم عشق میورزم و همیشه آرزو داشته‌ام در میهنی آزاد با اعتبار در سطح جهانی زندگی کنم، دعوتی را که از من برای سخن گفتن در این مجمع بعمل آمد با شوق پذیرفتم، باشد که سهم ناچیزی در این بحث بنیادی داشته باشم. در شرایط حاضر نوعی دلپره و نگرانی در قبال امر حفظ تمامیت ارضی و استقلال و آینده این سرزمین در میان اکثر مردم وجود دارد و با وضعی که بر ارتش حاکم است همه نگران مسئله مهم امنیت و دفاع ملی کشور هستند. مسئله امنیت و دفاع موضوعی نیست که در رابطه با شرایط خاص یک انقلاب و با اوضاع بخصوصی قابل طرح باشد مسئله امنیت و دفاع برای جامعه بشری از زمانی که گروهی از انسانها زندگی کردن یا مغانی آغاز کردند در جاوگانگی استقرار یافتند مطرح گردید. از آن زمانی که گروههای بسیار کوچکی از انسانها در دوران های پیش از تاریخ در مکانی مستقر شدند و توانستند دوران جمع آوری غذا را پشت سر بگذارند و طبیعت تجربه‌ای بر آنان آموخت که میتوانند خود برداشت کنند و اینکه میتوانند خود کشت کنند و خود بعضی از حیوانات را اهلی کنند و از آنها سود ببرند، از آن زمان برای این گروهها مسئله حفاظت و حراست از کنتررها و گله‌ها و رعمه‌هایشان مطرح گشت. آنها میخواستند بر روی زمین خود بدون دغدغه خاطر و تجاوز دیگران کشت و زندگی کنند. از این رو به امر حفاظت و دفاع از خویش توجه فراوان داشتند. این مسئله حتی برای گروههایی که به شیوه رعمه گردانی یا کوچ زندگی میکردند نیز مطرح بود. یعنی حتی برای آن گروههایی که به کوچهای بلند و به اعتباری کوچ افقی دست میزدند در منطقه وسیعی به حرکت در می آمدند نیز، مسئله حفاظت و حراست مطرح بود. جالب اینکه این مسئله را شما در جامعه حیوانی نیز شاهد هستید. آیا شنیده‌اید که گله‌های گاومیش در مناطق جنگلی چگونه از خود حفاظت میکنند؟

شب هنگام کوچک‌ترها در وسط، قدری بزرگترها در دور آنها و بزرگترها در گرد آنها در دایره سوم و بالاخره تعدادی از زرها پشت به گله و رو بخارج بر پا میایستند و آساده حفاظت و حراست و نگهبانی میشوند تا حیوان دیگری بر آنها شبیخون نزند. در آغاز سخن باین دلیل به این نکات اشاره کردم تا گفته باشم که مسئله امنیت و دفاع پدید است که بصورت غریزی در میان حیوانات وجود داشته‌است و نخستین سبب پدید آمدن زندگی اجتماعی جوامع بشری نیز مطرح بوده‌است، زیرا ضرورت ادامه حیات جوامع بشری چنین امری را ایجاب نمیکرده‌است. چنانکه در تمامی

حریف وارد میدان شد، وسط میدان نشست، یعنی زودتر گاو حریف دز محلی که باید در آن بجنگد استقرار پیدا کرد و نوعی ارتباط و وابستگی با آن محل برقرار ساخت و در نتیجه باتوان بیشتری جنگید. اما در دنیای انسانها، در دنیای کهن به نوشته‌های بر روی یکی از آثار باستانی رم اشاره میکند که میگوید:

دلهره و نگرانی ملت در قبال حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور

کارگری در هیچ نقطه دیگری از جهان مورد نظر نیست. زمانی که در ارتش شوروی از گفته شود هیچگونه تعهدی در برابر کارگران ستم رسیده جهان وجود ندارد. وزمانی که از "قهرمانان شوروی و پاسداران استقرار و موجودیت کشور شوراها" صحبت میشود، توجه بر این معطوف است که همه جوانان و سربازان شوروی وظیفه دارند تا با تمامی وجود از سرزمینشان و حفظ منافع آن در راستای سیاست توسعه طلبی آن پاسداری کنند و به هیچ چیز و هیچ نیروی دیگری نیاندیشند، چنانکه مکرر در جرایم و اقدامات غیر انسانی، چنانکه مکرر در برویم به سرزمین دیگر، ملت

است که به همسایگان خود نشان دهیم جنگ با سوئیس طولانی و پرخرج خواهد بود. هرگاه ما بجنگ وادار گردیم باید به دشمن ثابت کنیم که تسخیر سوئیس با اشکال زیاد مواجه‌است و فوق العاده گران قیمت تمام خواهد شد. ملاحظه میکنید زمانیکه مسئله دفاع از میهن و حیثیت ملی مطرح است حتی یک کشور کوچک با جمعیت محدود، بخود اجازه نمی‌دهد تا به قیمت هر تحفیری امکانات اقتصادی و آبادانی خود را حفظ کند، بلکه از همه آنها بخاطر حفظ شرف و حیثیت ملی اش در- میگذرد. بنابراین برمیگردیم به اینکه همه این تلاشها همه این کوششها در تمام نقاط دنیا از دورترین ایام تا امروز در رابطه با دفاع از پدیده بسیاروالائی است بنام آزادی و استقلال، شرف و حیثیت و اعتبار یک ملت، و این امری است که پاسداری از آن برعهده ارتش و آگاهار شده‌است. این نه‌بان اعتبار است که دیگر مردم غیر نظامی رسالت و وظیفه پاسداری از میهن را برعهده ندارد، بلکه این وظیفه فرد افراد هر ملت است تا با تمامی نیرو آماده دفاع باشند پشتیبانی کنند و بان یاری بدهند. زیرا ارتش بدون تکیه‌گاه مردمی و حمایت بی‌دریغ و مشتاقانه ملت از توان و قدرت لازم بهره‌مند نخواهد بود و بتدریج بجای آنکه نیروی در خدمت مصالح ملی باشد بصورت ابزار در خدمت قدرتمندان و سلاطه‌گران در- خواهد آمد.

ما و خوانندگان

آبادان - آقای صدیقی نجخوانی - با سیاست از شما یکی از رباعی‌های زیبایان را عیناً "جاب می‌کنیم. و از بقیه نیز به مرور استفاده خواهیم کرد. شخصیت مجلس از شعارش پیداست وین باقیمت خود، زیودتار ش پیداست کیفیت افتتاح بدمت گفتم سالی که نکوست از بهارش پیداست کازرون - آقای محمود عباسی - فرهنگی عزیز از پیام گرم صمیمانه شما متشکریم. نشریات مورد تقاضای شما ارسال خواهد شد. تهران - آقای عبدالصمد مزدرجی تهرانی - بخلاف اندیشه شما تهمت، افترا و سب‌های کار و افس‌گرایان و انحصار طلبان است اگر به نشریات ما مراجعه کنید خواهید دید یک لحظه از خط مشی خود منحرف نشده‌ایم. تهران - آقای رجبعلی احمدی نژاد - نامه مفصل شما در مورد گران‌فروشی بانیتیر" مرگ بر گران‌فروشی که تیشه بریشه انقلابیان میزند" فریاد میلیونها مصرف کننده است که از یک‌کده فروشنده گران‌فروشی و بی‌انصاف به تنگ آمده‌اند امیدواریم دولت فکری برای رفع این مشکل حیاتی بکنند و گرنه..... تهران - آقای حسینی - نامه مفصل شما در مورد افشاکاری روحانی مبارز آقای شیخ علی تهرانی متأسفانه دیر بدقت روزنامه رسید بهر حال از همکاری شما بسیار گزاریم و امیدواریم ما را در مبارزه پیگیر و بی‌امانمان یاری دهید. تهران - آقای جعفر کاظمی - ما نیز مثل شما آرزو داریم خداوند ما را به راه علی هدایت فرماید و اخلاص و صداقت و ایستار را در مکتب علی (ع) بیاموزیم. تهران - آقای اسماعیل زاده - نوشته جالب شما در مورد "گوانی" بسیار قابل استفاده و ارزنده بود از اینکه ما را یاد کرده‌اید بسیار گزاریم. قم - مرکز نقد و بررسی مطبوعات انتقاد شما از مقاله "تمدن و تاریخ را چگونه می‌بینیم" نه بیطرفانه و نه منتقانه است با عینک بدبینی هر نوع تفسیری میتوان کرد ولی اگر دقیقاً مقاله را مطالعه فرموده بودید به برداشت نویسنده آگاهی پیدا می‌کردید و مرتبه‌سراشی نمی‌فرمودید. تهران - فانوس - شعر "مجلس شروع گشت" شما رسید اجازه بدهید مجلس شورای ملی کار خود را آغاز کند بعد به قضاوت بنشینیم. تهران - آقای حمید ملکبان - در اجرای خواسته شما مبنی بر درج اشعار انقلابی دوران ملی شدن صنعت نفت با تکثیر صفحات روزنامه اقدام خواهیم کرد تا بقول شما "منکر تاریخ و واقعیتها نشوند".

چرا مقامات مسئول بر اعمال چماق‌داران سرپوش می‌گذارند؟

مقاماتی که دارای قدرت سیاسی و مصونیت می باشند و از محبوبیت کافی نزد امام برخوردارند و به طور حتم محرکین این عده را می شناسند، چیزی نمی‌گویند و لاپوشانی می‌کنند؟ و اگر خدای نخواسته از طریق این عده صدمه‌ای بیه انقلاب وارد بیاورد در پیشگاه ملت چه جوابی دارند بدهند؟

بظوریکه همگان استحضار دارند پس از انقلاب اخیرمان عده‌ای تحت لوای (حزب‌الله) و با استفاده از نام اسلام و امام بوجود آمده‌اند و کارشان آتش زدن کتابخانه‌ها، حمله به اجتماعات، مضر و مصادوم و مقتول کردن افراد و کارهایی از این قبیل بوده است و عمل آنها مورد تایید رسمی هیچ یک از احزاب و گروهها نبوده و نیست و حتی بارها امام عمل آنها را تقیح نموده‌اند و فرزند گرامی امام نیز با آن شدت و وحدت آنها را کوبیدند و عملشان را خیانت به انقلاب و اسلام توصیف نمودند ولی آنها کاری به این حرفها و

گفته‌ها ندارند و کار خودشان را می‌کنند و از روی ناآگاهی و تعصب خشک و بی‌اعدا "حرف محرکین خود را بالاتر از حرف امام و فرزندش و دیگر خیر- اندیشان می دانند و چون آدمک‌های کوکی بدون تفکر و تعقل تحت تاثیر عوامل مغرض قرار می‌گیرند ولی چیزی که در این میان بصورت معادیر آمده است اینست که چرا

با کمال تأس و تاسف اطلاع یافتیم دکتر مهدی مکن معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد ملی، مادر گرامی و گرانقدر خود را از دست داده‌است. مصیبت وارده را به آقای دکتر مکن و خانواده‌های وابسته صمیمانه تسلیت می‌گوئیم. هیئت تحریریه روزنامه پیام حبه ملی

مجتبی قوامی از وقتیکه یاد می‌آید، عده‌ای بیل و کلنگ و مته بدست می‌آیند و شکم کوچک خانه مخلص را پاره پاره، میکنند، منظور (کنند) است ویس از مدتی گردد خاک خوردن وقتی قاج راه رفتن و گلی شدن، عده دیگری می‌آیند و آنرا وصله و پینه می‌کنند، منظور (اسفالت) است. از اینکه معنی بعضی از جمله‌ها را می‌نویسم دلیلش این است که ما بیل حرقم راهمی اقوم ایرانی، از هر سنخ و قشری بقیه‌مند، حالا اگر عده‌ای جوری چیز می‌نویسند و یا از لغاتی استفاده می‌نمایند که هیچکس حالیش نمیشه، بمن چه. در هر حال موضوع کنند و وصله کردن کوچه ما همچنان که ادامه داشته اکنون نیز ادامه دارد و مسئولین امور هم چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب هیچکدام حالیشان نبود و نیست که بیایند و یک کانال کوچک حفر بکنند و روی آنرا ببوشانند و هر چند متر به چند متر روی آن یک درپوش بگذارند و هر وقت که ضرورت ایجاب کرد هرات و اشغالی را که لازم دارند نوی آن بگذارند و هر وقت که چیزی را لازم داشتند از توی آن بردارند. و این معضل ابدی ملت ایران را برای زندگان و آیندگان حل کنند و اینقدر بول این ملت فقیر و نجیب و اصیل و... را به هدر ندهند !!!

تسلیت

با کمال تأس و تاسف اطلاع یافتیم دکتر مهدی مکن معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد ملی، مادر گرامی و گرانقدر خود را از دست داده‌است. مصیبت وارده را به آقای دکتر مکن و خانواده‌های وابسته صمیمانه تسلیت می‌گوئیم. هیئت تحریریه روزنامه پیام حبه ملی

جمعه ملی

یکشنبه سه شنبه پنجشنبه منتشر میگرد

صاحب امتیاز: دکتر مهدی آدر
مدیر مسئول: اصغر پارسا
نشانی: خیابان کارگر (سیمتری) نزدیک میدان انقلاب
تلفن: ۹۲۱۲۰۰

خبرهای کوتاه

دستور کمیته ساقی کلایه

تعطیلات آخر هفته گذشته در شهرک ساحلی ساقی کلایه (مثل قو) بعد از مشاجره لفظی که بین تعدادی اشخاص مجهول الهویه با خانمهای رهگذر بوجود آمد دستوری از طرف کمیته محل به کلیه رستورانها و مغازه‌دارها و کسبه مبنی بر عدم فروش هر نوع کالا به خانمهایی که فاقد حجاب اسلامی هستند صادر شد. تخلف از این دستور مستوجب شلاق و تعطیل اجباری مغازه بمدت ۳ روز خواهد بود.

کمیته عمل خود را بخاطر جلوگیری از فساد و فحشاء توجیه نموده است.

شرط پاکستان برای ایفای نقش «ژاندارم» در خلیج فارس

شارجه - امارات عربی متحده - خبرگزاری یونایتد پرس مجله "الخلیج" گزارش داد، "آقا شاهی" وزیر امور خارجه پاکستان پیشنهاد کرده است اگر کشورهای عربی پنج میلیارد دلار به پاکستان کمک کنند، این کشور آماده است نقش "ژاندارم" را در منطقه خلیج فارس بعهده بگیرد.

این مجله به نقل از "آقا شاهی" نوشت، اعراب قادر خواهند بود با خیال آسوده بخوابند و در باره تهدید نسبت به آبهای گرم و منابع نفتی خود، نگران نباشند. "آقا شاهی" در این مصاحبه که در لندن انجام گرفت، گفت: کشورهای عرب این پیشنهاد را رد کرده‌اند، ولی پاکستان با این پنج میلیارد دلار قادر خواهد بود در منطقه با شعوری مقابله کند.

ملاقات و مذاکره مقامات آمریکایی با «ادیب داودی»

سازمان ملل - خبرگزاری یونایتد پرس - مقامات آمریکایی پس از ملاقات و مذاکره با "ادیب داودی" فرستاده ویژه سازمان ملل به ایران، در باره فعالیت‌هایش در تهران اعلام کردند که هیچگونه نشانه‌ای ناشی از تغییر در سیاست سختگیرانه مقامات ایرانی، بروز نکرده است.

"دونالد مک‌کهنری" سفیر آمریکا در سازمان ملل، "ویلیام و اندون هوادک" معاون وی و "هارولد ساندرز" مشاور وزارت امور خارجه آمریکا در امور خاورمیانه، بمدت یکساعت و چهل و پنج دقیقه در دفتر کار "کورت والداهام" دبیرکل سازمان ملل با "ادیب داودی" ملاقات کردند. "مک‌هنری" در پایان این ملاقات گفت، از مذاکره هیچ نشانه‌ای بدست نیامد تا نتیجه‌گیری کنیم کوچکترین تغییری در اوضاع بوجود آمده است.

"داودی" که گزارش ماموریت سه هفته خود در تهران را به والداهام ارائه کرده به خبرنگاران گفت، کمیسیون پنج نفری حل بحران سازمان ملل در آینده نزدیک به ایران باز نخواهد گشت.

اظهارات نخست وزیر پیشین انگلیس

لندن - خبرگزاری آسوشیتد پرس - سر داگلاس هیوم نخست وزیر پیشین انگلیس چهارشنبه شب در کمیته امور خارجی مجلس عوام این کشور برنامه‌های مجازات اقتصادی علیه ایران را مورد حملات انتقادی قرار داد و گفت، ایران، کشوری است که غرب نمیتواند از آن دوری گزیند.

وی گفت: ایران اشتباهات هدف حملات اقتصادی و سیاسی قرار داده شده است و سیاست تحریم اقتصادی علیه این کشور، نمیتواند ثمر بخش و مفید واقع گردد.

نخست وزیر پیشین انگلیس همچنین خواستار برقراری یک نیروی نظامی آمریکایی در خلیج فارس شد. وی گفت: چنین نیرویی برای امنیّت غرب در قبال تهاجم شوروی لازم و ضروری است و تنها چیزی است که به عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس اطمینان خواهد داد.

نخست وزیر پیشین ۷۶ ساله انگلیس گفت، بعقیده‌ی شوروی بدین جهت به افغانستان حمله کرده است که حتی نمی‌تواند نشانه‌هایی از امپریالیسم را در مرزهای خود تحمل کند.

توضیح

در مقاله ۲۹ خرداد "نخستین انقلاب ضد استعماری ملت ایران" نوشته آقای ادیب برومند، ملی کردن صنعت نفت به دوره هفدهم مجلس

انتخابات کانون و کلا...

بقیه از صفحه ۱

ایران - یک پارچه و یکدل با وکلای دادگستری هم صدائی دارندو تعطیل انتخابات را تجاوز به اصل استقلال وکلاء دادگستری و نه تنها تجاوز به اصل بلکه تجاوز به اصول مربوط به حاکمیت شوراها که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است می - دانند.

اعضاء جمعیت حقوقدانان ایران میخواهند که هر چه زودتر این تصمیم لغو شده و امکان برگزاری انتخابات کانون وکلاء فراهم آید ونیز اعضاء جمعیت حقوقدانان ایران از وکلاء دادگستری میخواهند که ضمن تشکّل برای برگزاری انتخابات هیئت مدیره نسبت به انتخاب هیئت تصفیّه و پیش بردار تصفیّه بر طبق طرح و تمایل عناصر مترقی جامعه وکالت اقدام نمایند.

ما امیدواریم که هر چه زودتر شاهد برگزاری شورانگیز این انتخابات باشیم .
۵۹/۳/۲۸ هیئت اجرایی جمعیت حقوقدانان ایران

بقیه از صفحه ۱

روزنامه‌های اطلاعات و کیهان دو مؤسسه بزرگی هستند که در دوران اختناق و سلطه استبداد و استعمار با بی‌برم براداری از امکانات متعددی صورت واحد‌های مقتدر مطبوعاتی کشور ما درآمدند. در واقع این دسترنج و ثروت مردم این مرز و بوم بوده است که بعلت اوضاع و احوال خاص زمان در اختیار کسانی قرار گرفت که باتملق و چاپلوسی و پخش اخبار و مطالب مورد نظر هیئت حاکمه سعی داشتند افکار ملت را به منظور ادامه قدرت استبدادی و تداوم غارت و چپاول استعمار و امپریالیسم جهانی جهت دهند.

روزنامه اطلاعات بیشتر از پنجاه سال و روزنامه کیهان نزدیک به چهل سال در جمع عملکرد خود علیه ملت قدم برداشته و از این راه سرمایه و ثروت بسیار اندوختند و پیر حال دو غول مطبوعاتی جامعه فقیر ما را بوجود آوردند. بعد از انقلاب بزرگ ملی و اسلامی همه انتظار داشتند این دو روزنامه در جهت ملت و انقلاب بعنوان دو روزنامه بیطرف و بی نظیر و دور از هرگونه سانسور در خدمت

اطلاعات و کیهان...

فرهنگ و پیشرفت فکری جامعه قرار گیرند. روزنامه‌های اطلاعات و کیهان در ماه‌های قبل از انقلاب در خدمت مبارزات ملت قرار گرفتند و درخشش مطبوعاتی این دو واحد بزرگ امیدهای بسیار دردلبها زنده کرد و نویسندگان و کارکنان این دو روزنامه در اعتصاب شکوهمند ۶۲ روزه خود در واقع پشت طاغوت را شکستند و فصحی نوینی در مبارزات انقلابی بوجود آوردند و تا جندی نیز کوششهایی بعمل آمد که نقش این دو روزنامه در خدمت ملت همچنان دوام یابد و مناسفانه چند ماه بعد از انقلاب این دو روزنامه تحت تأثیر جو فشار و سانسور از وظیفه یک روزنامه مسئول و متعهد در شرایط انقلابی خارج شدند و از دید اجتماعی بصورت اوراق بی-ارزش درآمدند.

روزنامه کیهان همواره جنبه ملی در تحلیلی که بتاریخ یکشنبه ۵۹/۳/۲۵ راجع به نقش مجلس شورای ملی و رادیو تلویزیون و روزنامه‌ها بعمل آورد موقیعت روزنامه‌های اطلاعات و کیهان را بشرح زیر بیان نمود: "اگر رادیو و تلویزیون بعد از شورای انقلاب به سانسور

با نهایت تأسف باید اذعان کرد که این دو روزنامه همچنان از راهی که انتخاب کرده‌اند بی محابا به پیش میروند. نگاهی به شماره‌های پنجشنبه ۲۹ خرداد یاد بود خلغ ید از شرکت نفت انگلیس اوضاعی را که بر این دو روزنامه حاکم است بخوبی مجسم می-سازد.

روز خلع ید که نخستین پیروزی انقلابی ملت ایران در برابر سیتم استعمار جهانی در قرن بیستم میباشد در این روزنامهها به کمترین و کوچکترین مطلب و عبارت خلاصه میشود در حالیکه صفحات پرخرج این دو روزنامه به مطالبی اختصاص مییابد که در جهت توسعه و تایید نقش عناصر قشری و فرصت طلب تبلیغ و توجیه میشود.

ایران و رهبری دکتر مصدق و مبارزات اصیل و مهمی را که مایه و پایه انقلاب بزرگ ملی و اسلامی بومین ۵۷ گردیده است بفراموشی میسپارند و دیگر برای خودنقشی در جهت آگاه کردن فشرهای جوان و مردم نا آشنا به رویدادهای اصیل گذشته قائل نیستند.

حسن آیت چهره ضد نهضت ملی ایران در نقاب اسلامی

در پاریس اعلام داشتند و بحق سنگ اول بنای وحدتی بود که بارها رهبر انقلاب بعنوان رمز پیروزی از آن یاد کرده‌اند و گفته‌اند و بعنوان در حالیکه آقای دکتر سنجایی اولین شخصیتی بودند که در داخل کشور رسماً و علناً در آن اعلامیه رژیم پهلوی رافاقت هرگونه مشرّوعیت ملی و قانونی دانستند و بعنوان اقدام بر علیه سلطنت بازداشت شدند. شما در همین قسمت از بیانات گوهرباران! جمله دکتر سنجایی را که گفته بودند "از نظر ما ظرف نهضت ملی که محتوی اهمیت دارد" تحریف نموده و این گفته با ارزش را اینطور تفسیر کرده‌اید که بنا بر این سلطنت را رد نکرده‌اند. ولی آقای دکتر

ما همه دیدیم که در اولین روزهای پیروزی انقلاب در ۱۴ اسفند چگونه میلیونها نفر از افراد ملت ما در بیابانهای احمدآباد در سالروز درگذشت دکتر مصدق نسبت به رهبر فقید خود ادای احترام کردند و دیدیم که در هر شهر و شهرستان و قصبه‌ای که مردم توانستند خیابان‌ها و بیمارستانها و مدارس را بنام دکتر مصدق خوانند و دیدیم که از آن مردم ما این اسم را زودتر از تمام تغییر نامهای دیگر بخاطر سپردند و بر زبان جاری ساختند آری، آقای دکتر آیت مردم ما نسبت به خادمین خود حق شناسند و در کلام آخر از زبان شاعر شما پاسخ میدهم:

ای مگس عرصه سیمبرغ نه جولانگه‌ست
عرض خود میبری و زحمت
سامیداری
محمد علی بهنیا

شاه بود یا خلع سلاح کردن او؟ آیا تایید نفس اصلاحات ارضی یعنی واقعی، اصلاحات قلمداد کردن کار شاه معنی میدهد؟ مگر در مقابل شعارهای مزورانه و عوام فریبانه رژیم مترقی تر و انقلابی تر از شعار "اصلاحات ارضی آری دیکتاتوری شاه نه" میشد شعاری را طرح کرد؟ مگر در آنروز میشد نابودی کشاورزی ایران را در اثر آن اصلاحات امپریالیستی به کشاورز ایرانی نشان داد؟ آقای دکتر آیت! اگر مسلمانید و شرف دارید چرا از مبارزات جبهه ملی در روزهای فراموش پیمانه‌ی شما در ششم بهمن ۴۱ و پنجم بهمن یعنی روز قبل از فرارندم کذاشی بوسیله جبهه ملی ایران در سراسر کشور و بنام "اصلاحات ارضی نباید سروشی برای دیکتاتوری شاه باشد" و شعار "مرگ بر شاه" که برای اولین بار بعد از کودتای ۲۸ مرداد گفته می‌شد زکری نمی‌کنید؟ تظاهراتی که با حضور و خروج شدن زندانی شدن صدها هزاران نفر از مبارزان جبهه ملی همراه شد. آقای دکتر آیت! در سالهای ۴۴-۴۵ بهمه که بعلت فاشیسم و دیکتاتوری بی سابقه امکان هیچگونه حرکت سیاسی مخالف رژیم بوسیله هیچ گروه دستنی وجود نداشت مگر از همین دست پروردگان مکتب جبهه ملی نبودند که سازمانهای مسلح را پایه‌گذار کرد و در باقداکاری و ایثار قهرمانانه مشعل مبارزات آزاد بخوانه و ضد استعماری ملت ایران را فروزان نگاهداشتند؟ و مگر در مرحله اخیر شرفانی نهضت یعنی از سال ۵۵ به بعد باز هم این جبهه ملی نبود که اولین حرکات و تظاهرات بر علیه رژیم را برپا نمود؟ مگر اولین تجمع بزرگ را جبهه ملی در روز عید قربان سال ۵۶ در کاروان سراسنی کرج با دادن صدها نفر مجروح و مضروب برپا نمود؟ همان زمانیکه از جنابعلی و سایر دوستانتان در هیچ کجا خبری نبود و هنوز از گرد راه نرسیده بودید. آقای دکتر آیت شما بی‌انصافی را بحدی رسانیدید که اعلامیه سه ماده‌ای آنماه ۵۷ را که آقای دکتر سنجایی

نشان دادند بلکه صدق و یاران بنشینند و در بیدارگانهای نظامی رژیم کودتاها کرده‌اند و دوران حسن و نسیب و زجر و شکنجه را میگردانند و تمام افراد، احزاب و دستجات جبهه ملی و آنها که زیر پرچم دستگاه جان بدر برده بودند از فراد ۲۸ مرداد مبارزات خود را در نهضت مقاومت ملی متشکل نمودند و در آن سالهای سیاه همچنان پرچم مبارزات ضد استبداد و ضد استعماری ملت ایران را بدوش کشیدند و در دست در همان دوران که برخی از هم فکران شما این کودتای ننکین را "آیت میگرداند و امثال فلسفی های بر حماقت دار و دسته شعبان بی‌مخا یکماه تمام السطان ظل الله فی الارض را در مسجد شاه تفسیر میکردند و در مقابل بزنجیر کشیده شدند و پیشوای ملت و اعدام شدند - کارانه دکتر حسین فاطمی و دهها شهید دیگر و محاکمات نظامی رهبران ملی و پریودن زندانیان از آزاد خواهان و سربازان جبهه ملی ایران هیچ عکس العملی از همفکران شما دیده نشد. هیچکس نمیداند که شما که مبارزان جبهه ملی را بدروغ به رفتن و در خانه نشستن متهم میکنید در آن روزها کجا بودید و چه میکردید؟ آقای دکتر آیت! همان احزاب افراد و دستجات نهضت مقاومت ملی بودند که از سال ۳۸-۳۹ همراه شخصیتها و رهبرانی که از زندانها و تبعیدها بازگشته بودند مجدداً نام اصلی خود یا نام جبهه ملی ایران را زنده کردند و بمبارزات خود گسترده‌ی و وسعت بیشتری بخشیدند در زمانی که بازم از هیچ کجا دیگری خبری نبود. مبارزات درخشان جبهه ملی ایران در همین سالها بود که پایه‌های رژیم فاسد و مستبد محمد رضا شاهی را بلرزه انداخت و میرفت که به سرکونی کامل آن بناجامد و این نسخه انقلاب شاه و آمریکا بود که رژیم را متقاتل از بن بستها و سقوط حتمی نجات داد. آیت! و سقوط حتمی نجات داد. آیت! داد حجت نمی‌کشید؟ آقای دکتر آیت! برخلاف دروغگوئی شما بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ تا سال ۳۸-۴۰ همه‌شان نرفتند نوی خانه

شده و رجال و شخصیت‌های ملی و حتی ابر مرد تاریخ مبارزات ملت ایران دکترو محمد مصدق را به باد تهمت و افترا بگیرد؟ آقای دکتر آیت جبهه ملی را یک جمع نامتجانس میخواند که در سال ۲۸ دور هم جمع شده و بعد هم حکومتی را که بدست آنها داده شده بود!! ننوانستند حفظ کنند و ملی شدن نفت را هم کمیته‌یون رهبری میکردند!! اینها بخودشان چسباندند!! و بعد هم دکترو مصدق عدم قاطعیتشان نشان داد و ملکت را تحویل دیکتاتورها داد!! سپس آقای دکتر آیت اضافه میکنند که در سال ۳۲ حدود ۲۸ - ۴۰ همه‌شان رفتند نوی خانه‌ها نشستند و دوباره سال ۳۹ جبهه ملی دورگه میشود دوره‌ای فعالیت دارد و دوباره نیست تا سال ۵۶ و حداکثر خواستشان این بوده که آن دستگاه و دولت با آنها کنار بیاید. چند وکیل میخواستند همین!! بعد هم گفتند اصلاحات آری دیکتاتور نه، یعنی کارهای شاه را اصلاحات قلمداد کردند!!

آقای دکتر آیت! دروغ - برداری و قلب تاریخ و بی‌انصافی هم حدی دارد. چطور توانستید سالها مبارزه ضد استبداد و ضد استعماری جبهه ملی را اینسان سفسطه آمیزه یک تشکیک نامتجانس در سال ۲۸ و سپس یک دوره کوتاه فعالیت سال ۳۹ سرهم بندی کنید مگر شما می‌توانید بتاریخ دروغ بگوئید!! مگر شما می‌توانید جلوی خورشید تابان حقیقت را با کل و خشاک تزویر و غرض بپوشانید؟

آقای دکتر آیت! جبهه ملی ادامه دهنده و وارث تمام سنت‌های آزاد بخوانه ضد استعماری نهضت ۱۵ ساله ملی ایران است که در سال ۱۳۲۸ به رهبری پیشوای بزرگ ملت ایران دکتر محمد مصدق تشکیل شده و از آن پس پرچمدار نهضت ملی و تیلوری از وجود و ادامه این نهضت تلقی گردیده است. جبهه ملی در بدو تاسیس با مبارزات خود توانست اقلیت معروف دوره شانزدهم مجلس شورای ملی را تشکیل دهد که با حمایت بیدریغ ملت ایران قانون ملی

شدن نفت را بتصویب برساند و حتی اکثریت دست نشانده انگلیس را بر فشار افکار عمومی ناگزیر به تصویب این قانون ضد امپریالیستی بنماید. آقای دکتر آیت! اگر جبهه ملی شعار آزادی انتخابات را مطرح میکرد و مبارزه انتخاباتی را در سرلوحه برنامه خود قرار داده بود فقط با این خاطر بود که بتواند با تشکیل یک اقلیت اصیل و ملی و با استفاده از تریبون مجلس شورای ملی به آگاهی‌دادن و بسیج مردم توده‌های ملت در مبارزه ضد استبدادی و ضد استعماری بپردازد که چنین هم کرده بنا به تفسیر تنگ نظرانه شما برای وکیل شدن.

مصدق بزرگ سالها در پی تشکیل یک چنین اقلیتی کوشید و مبارزه کرد تا توانست در مجلس شانزدهم با این هدف مقدس خود جامعه عمل بپوشاند و آن ضربه قاطع را بر پیکر امپریالیسم جهانی وارد نماید. آقای دکتر آیت، برخلاف دروغ پردازی‌های شما کسی حکومت را بدست اینها نداد این ملت ایران بود که یک

پارچمو یکصدادر سراسر کشور با شعارهای "یا مرگ یا مصدق" "مصدق پیروز است" "جبهه ملی پیروز است" خواستار تشکیل دولتی ملی برای اجرای قانون ملی شدن نفت گردید. آقای دکتر آیت! چه شما بخواهید و چه نخواهید مبارزه ضد استعماری جبهه ملی ایران که رهبری دکتر محمد مصدق الگو و نمونه مبارزات بسیاری از کشورهای مستعمره جهان سوم قرار گرفت و نام پرافتخار دکترو مصدق بعنوان رهبر مبارزات

ضد استعماری ملت شرق در تاریخ ثبت گردید. آقای دکتر آیت! چطور شما میتوانید بشویند که رهبری نهضت ملی شدن نفت بامذهبیون بود و دکترو مصدق و جبهه ملی آنرا بخودشان چسباندند؟ آیا از نسلی که با چشم خود تمام آن نهضت را دیده و خاطر مبارزات رهبر فقید ملت ایران را پیشروی در بدو تاسیس با مبارزات خود توانست اقلیت معروف دوره شانزدهم مجلس شورای ملی را تشکیل دهد که با حمایت بیدریغ ملت ایران قانون ملی